

# هامون ایران

تارنمای جامعه مدنی جنوب ایران

## محمد امین قانعی راد: انفعال جنبش دانشجویی نشانه خوبی نیست

اسماعیل حسام مقدم، 14th, December, Thursday, 2017

### محمد امین قانعی راد: انفعال جنبش دانشجویی نشانه خوبی نیست

زمانی که جنبش دانشجویی بطور نسبی احساس اطمینان از عملکرد نظام سیاسی دارد، به مسائل درون دانشگاهی می‌پردازد، مسائلی که جنبه آموزشی، پژوهشی، ترویجی و... دارد و فوق برنامه‌هایی را پی می‌گیرد که مخاطب اصلی‌اش خود دانشجویان هستند.

فرهنگ امروز/ محسن آزموده: هر سال ۶۱ آذر، دانشجو باشیم یا نباشیم، یاد سه آذر اهورایی در ما زنده می‌شود که ۴۶ سال پیش از این در سرسرای دانشکده فنی دانشگاه تهران در اعتراض به حضور نظامیان در دانشگاه به خون غلتیدند: مصطفی بزرگ نیا، احمد قندچی و مهدی شریعت رضوی. در روزهای سرد پس از کودتای ۲۸ مرداد که مصدق در حصر بود و نیروهای مشروطه‌خواه هر یک به کنجی خزیده بودند یا در زندان بودند، دانشجویان به سفر ریچارد نیکسون رییس‌جمهور کشوری که از عاملان اصلی کودتا بود، اعتراض کردند و نتیجه آن شد که همه می‌دانیم. در طول همه این سال‌ها و دهه‌ها، جنبش دانشجویی به مثابه دماسنج حال و هوای جوانان پیش رو و تحول‌خواه ایران عمل کرده است و همواره بازتابی بوده از آنچه در جامعه در جریان است و ای بسا مطالبات جامعه را نمایندگی می‌کرده. البته هم سو با تحولات شگفتی که جامعه و سیاست ایران در این سال‌ها تجربه کرده، دانشگاه نیز تغییراتی را از سر گذرانده است، دگرگونی‌هایی که ناگزیر الگوهای کنش و واکنش جنبش دانشجویی را متأثر ساخته است. همین تاثیر و تاثرات موضوع گفت‌وگوی ماست با محمد امین قانعی راد، جامعه‌شناس و پژوهشگری که دانشگاه و تحولات آن یکی از دغدغه‌های اصلی و همیشگی‌اش بوده و هست.

با احتساب ۶۱ آذر ۱۳۳۲ به عنوان نقطه عطفی در حیات دانشجویان، بیش از شش دهه تجربه جنبش دانشجویی داشته‌ایم و از این حیث نسل‌های متوالی دانشجویان بر این تجربه انباشت شده‌اند، البته نباید از تجربیات دانشجویان نسل‌های پیش از ۶۱ آذر ۳۲ نیز غفلت کرد. در هر صورت به نظر شما خصائص و ویژگی‌های این تجربه انباشته جنبش دانشجویی چیست؟

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های تجربه جنبش دانشجویی در ایران قاعده خود تنظیمی است که باعث شده در مواجهه با مسائل انعطاف پذیر عمل کند، یعنی ما در این ۰۶ سال الگوهای کنش متفاوتی از جنبش دانشجویی را شاهدیم و چنین نیست که دانشجویان بر مبنای الگوی ثابتی عمل کنند. مبنای این انعطاف‌پذیری نیز تحولاتی است که در جامعه رخ می‌دهد، یعنی جنبش دانشجویی نسبت به تحولات جامعه گشوده است و متناسب با تحولاتی که در آن رخ می‌دهد، نحوه کنش خود را انتخاب می‌کند. به همین خاطر است که در مقاطعی با کنش رادیکال جنبش دانشجویی مواجه هستیم و در مواردی نیز شکلی از کنش ارتباطی را شاهدیم. به عبارت دیگر جنبش دانشجویی ایران همیشه میان این دو وجه در رفت و آمد بوده است.

چه موقع جنبش دانشجویی دچار کنش رادیکال می‌شده است؟

زمانی که احساس می‌کرده نظام نمایندگی سیاسی در جامعه درست عمل نمی‌کند و در نظام حزبی ضعف وجود دارد. در عین حال در جامعه نارضایتی سیاسی در جامعه وجود دارد. در چنین شرایطی است که

جنبش دانشجویی به کنش شبه حزبی دست زده و در مواردی سعی کرده نقش نمایندگی سیاسی از طرف جامعه را ایفا کند، گویا به نحوی جامعه خواسته‌ها و نیازهای خودش را در شرایط انسداد سیاسی از طریق جنبش دانشجویی بیان می‌کند. این امر سبب شده که جنبش دانشجویی در مواردی تا حد درگیر شدن با نظام قدرت مستقر پیش برود. در دوره‌های مختلف نمونه‌های آن را دیدیم.

چه زمان جنبش دانشجویی به کنش به تعبیر شما ارتباطی پرداخته است؟

زمانی که جنبش دانشجویی بطور نسبی احساس اطمینان از عملکرد نظام سیاسی دارد، به مسائل درون دانشگاهی می‌پردازد، مسائلی که جنبه آموزشی، پژوهشی، ترویجی و... دارد و فوق برنامه‌هایی را پی می‌گیرد که مخاطب اصلی‌اش خود دانشجویان هستند. در چنین شرایطی جنبش دانشجویی در فضای درون دانشگاه فعالیت می‌کند. اما وقتی احساس ناایمنی در جامعه پدید آید، واکنش رادیکال دانشجویان را به دنبال خواهد داشت. برای مثال در دوره بعد از انقلاب در دوره آقای احمدی‌نژاد شاهد محدودیت‌هایی برای فضای دانشجویی بودیم که این امر باعث تندروری بیشتر شد. این تندروری بیشتر البته لزوماً به شکل پدیده شورش دانشجویی یا رفتار سیاسی دانشجویان خود را نشان نمی‌دهد، ممکن است خود را به شکل انفعال عمیق نشان دهد، یعنی دانشجویان دچار نوعی درون رفتگی می‌شوند و نسبت به مسائل پیرامون از حیث سیاسی و اجتماعی و فرهنگی بی‌تفاوت می‌شوند. این بی‌تفاوتی خودش نوعی تندروری و کنش سیاسی اعتراضی است. یعنی هر چند در ظاهر غیرسیاسی شدن است اما دلالت‌های سیاسی دارد. گاهی نیز به جای انفعال و شورش شاهد مهاجرت هستیم، یعنی قشر تحصیلکرده دانشجویان از فضای دانشگاه و کشور ناامید می‌شود و در نخستین فرصتی که بتواند از کشور خارج می‌شود. بنابراین ویژگی اصلی جنبش دانشجویی در ایران همین انعطاف‌پذیر و تغییر واکنش نسبت به شرایط بیرونی است.

دیگر ویژگی‌های جنبش دانشجویی در ایران چیست؟

بر اساس انعطاف‌پذیری که اشاره شد، در دوره‌های مختلف بر شعارهای متفاوتی تأکید می‌کند. برای مثال در دوره آقای احمدی‌نژاد که بر عدالت اجتماعی با ویژگی‌های پوپولیستی تأکید می‌شد، جنبش دانشجویی بر آزادی‌های اجتماعی انگشت تأکید گذاشت، اما در دوره آقای روحانی که دولت بر بهبود فضای کسب و کار و افزایش سرمایه‌گذاری و... تأکید می‌کند، جنبش دانشجویی به مقوله عدالت اجتماعی می‌پردازد و در برابر سیاست موجود جنبش به انتقاد از تضعیف سیاست‌های اجتماعی در زمینه‌های آموزش و بهداشت و اشتغال می‌پردازد یا به نقد پولی شدن آموزش عالی و کالایی شدن دانش مشغول می‌شود.

چه چیز باعث می‌شود که جنبش دانشجویی توانایی این انعطاف‌پذیری و تغییرپذیری الگوهای کنش را داشته باشد؟

بازبودگی ذهنی دانشجویان این ظرفیت را در اختیار ایشان می‌گذارد. بخشی به علت جوانی دانشجویان است که ذهنیت باز دارند و در برابر ذهنیت دیوانسالارانه و بوروکراتیک قرار می‌گیرند که ذهنیتی بسته است و مسائل را در چارچوبی محدود ارزیابی می‌کند. جنبش دانشجویی می‌کوشد محدودیت‌های سازمانی و بخشی را در هم بشکند. در مجموع می‌توان گفت ویژگی جنبش دانشجویی نمایندگی جامعه است. این نمایندگی در شرایط انقباض سیاسی تبدیل به نمایندگی سیاسی می‌شود و صدای جامعه را بازتاب می‌دهد. اما وقتی در جامعه گشایش سیاسی وجود دارد، جنبش دانشجویی یا نماینده غیرسیاسی از جامعه می‌کند یا به مسائل درون دانشگاه‌ها می‌پردازد.

شما از نمایندگی جامعه توسط جنبش دانشجویی یاد کردید. اما آیا نمی‌توان با نگرشی انتقادی‌تر گفت که جنبش دانشجویی نسبت به تحولات جامعه بیشتر واکنش داشته و جنبه پیشرو و پیشگام نداشته است؟ به عبارت دیگر اگر ایده دانشگاه به مثابه یک نهاد مدرن را پیشگامی جامعه تلقی کنیم، می‌بینیم که جنبش دانشجویی ما از این حیث موفق نبوده است.

تا حدی این حرف را می‌پذیریم، یعنی جنبش دانشجویی به جای اینکه پیشگام باشد، پیرو تحولات جامعه بوده است. البته مفهوم «پیشگام» در دوره‌هایی برای نقش روشنفکران نیز محل بوده است. اما دانشگاه از این حیث که بتواند ایده‌ها و کنش‌های نوآورانه‌ای را طرح کند که به صورت فعال با مسائل جامعه برخورد کند، چندان موفق نبوده است. یعنی این جنبش که مدعی نمایندگی مطالبات جامعه است، باید بتواند با روش‌های

نوآورانه به کنشگر تاثیرگذار در شرایط اجتماعی تبدیل شود. نکته شما درست است. اما جنبش دانشجویی باید ضمن تجربه خودش و در طول دهه‌ها حرکت به نحوی به ایده دانشگاه دست پیدا بکند و بتواند از طریق بازاندیشی در خودش و ارزیابی کردن فعالیت‌های خودش به تدریج موضعی مستقل پیدا کند. البته جنبش دانشجویی نمی‌تواند کاملاً ارتباطش را با جامعه قطع کند، زیرا در آن صورت به نوعی نخبه‌گرایی دچار می‌شود و مسائل را از بالا و برج عاج می‌بیند و برای جامعه نسخه می‌پیچد. بنابراین جنبش باید در ضمن حفظ ارتباطش با جامعه و گفت‌وگو با آن، طرح‌های نوآورانه‌ای را در زمینه‌های مختلف ارائه بدهد که آن طرح‌های نوآورانه بتوانند به بهبود وضعیت دولت و جامعه بینجامند، یعنی موجب ارتقای سطح رفتارهای دولتی و ارتقای کیفیت زندگی عمومی مردم شود. بنابراین جنبش دانشجویی ما نیازمند تجربه‌ای برای دستیابی به این جایگاه است تا بتواند ایده‌های نوآورانه‌ای از طریق کنش ارتباطی با جامعه و نه نوعی نخبه‌گرایی دست یابد.

تا الان بیشتر به خود جنبش دانشجویی پرداختیم، اما نقدی که به گروه‌های عمدتاً سیاسی بیرون از دانشگاه وارد است، این است که نگاه‌شان به دانشجویان و جنبش دانشجویی ابزاری است. یعنی همین که به انتخابات نزدیک می‌شویم، این گروه‌های سیاسی سمت دانشگاه می‌روند و می‌کوشند از پتانسیل شور جوانی برای پیروزی استفاده کنند، اما وقتی بر سر کار می‌آیند، توجهی به خواسته‌های دانشجویان نمی‌کنند. به هر حال سیاستمداران همیشه این کار را می‌کنند، اما به نظر شما دانشجویان چه کار باید بکنند تا به سادگی بازی این گروه‌های سیاسی را نخورند؟

به نظر من جنبش دانشجویی نباید بطور مطلق از هیچ جریان سیاسی حمایت بکند و همیشه باید حمایتش را مشروط کند و این مشروطیت را نیز حفظ کند، یعنی اولاً فقط در شرایط انتخاباتی به فعالیت سیاسی بپردازد و بعد از آن هم به نحوی فعالیت گروه‌های سیاسی را پایش و رصد بکند، حتی از سوی حزب و جریانی که علی‌الاصول جنبش دانشجویی به آن تعلق خاطر دارد. به عبارت دیگر این پیوند نباید مطلق باشد. این سخن من هم معطوف به دانشجویانی است که از جریان‌های اصولگرا حمایت می‌کنند و هم خطاب به جریان‌های دانشجویی است که از جریان‌های اصلاح‌طلب حمایت می‌کنند. این دانشجویان باید نظارت خود را در دوره‌های ۴ ساله بین انتخاباتی حفظ بکنند و هشدارهای خودشان را به دانشجویان بدهند و اجازه ندهند که این وسط صرفاً نقش ابزاری داشته باشند. جنبش دانشجویی می‌تواند این پایگاه و منزلت را داشته باشد که اگر با مسائل جدی برخورد بکند، احزاب و جریان‌های سیاسی نیز حرفش را بشنوند و نسبت به دیدگاه‌های جنبش دانشجویی حساسیت داشته باشند. ثانیاً چنین نباشد که جنبش خودش را صرفاً در مقابل قدرت مستقر قرار دهد. یعنی جنبش دانشجویی نباید صرفاً نقاد دولت مستقر باشد، بلکه باید نقاد جریان‌های سیاسی نیز باشد. حتی خوب است که جنبش دانشجویی به جریان‌های سیاسی که در کشور وجود دارند، کمک کند که نقاط ضعف خودشان را بشناسند و در این میان راهبردهایی شکل بگیرد که این نقاط ضعف مرتفع شود و جریان‌های سیاسی کشور قدرت لازم را پیدا بکنند. بنابراین ایده‌های خلاق و تحرکی که دانشجویان دارند، باید به نقد جریان‌های سیاسی یاری برسانند، نه با هدف مقابله و حذف این جریان‌ها بلکه با هدف یاری رساندن در بازسازی آنها. کلیه نهادهای دموکراتیک ما در کشور جوان هستند، مثل نهاد انتخابات، نهاد حزب و حتی نهاد جنبش دانشجویی. این نهادها نیازمند آن هستند که بطور دایم به خودشان بیندیشند و خودشان را اصلاح و بازسازی کنند. در این میان نهادی که می‌تواند میانجی‌گری و تسهیل‌گری و زمینه‌سازی کند تا نهادهای دموکراتیک دیگر بتوانند به خوداصلاحی بپردازند، جنبش دانشجویی است.

تاکنون به جنبش دانشجویی و گروه‌های سیاسی بیرون از دانشگاه پرداختیم. اما از تحولات خود نهاد دانشگاه نیز نباید غافل شد. نهاد دانشگاه در دهه‌های اخیر هم در سطح بین‌المللی و هم در ایران تحولات جدی‌ای را تجربه کرده است. برای مثال برخی کارشناسان دانشگاه معتقدند که باید تصورمان نسبت به دانشگاه را تغییر دهیم، امروز مفهوم و شکل دانشگاه و نحوه زیست دانشجویان تغییر کرده است. این تحولات چه تاثیری بر جنبش دانشجویی دارد؟

بله، مفهوم دانشگاه در دنیا تغییر پیدا کرده است. یکی از نقش‌هایی که جنبش دانشجویی طی دهه‌های گذشته در ایران و دنیا ایفا می‌کرد، این بود که یک کانال ارتباطی برای پیوند برقرار کردن میان دانشگاه و جامعه ایجاد می‌کرد. یعنی به نحوی مشکلات جامعه را بازنمایی می‌کرد و صدای جامعه را به دانشگاه و از طریق آن به نهادهای قدرت منتقل می‌کرد. بنابراین جنبش دانشجویی ذاتاً یک جنبش ارتباطی برای ارتباط دانشگاه و جامعه بوده است. به همین دلیل هر دانشگاهی که بخواهد با جامعه ارتباط داشته باشد، به جنبش دانشجویی نیاز دارد. اما در برخی کشورهای غربی دانشگاه به روی جامعه باز شده است و از مفهوم دانشگاه مدنی استفاده

می‌شود. یعنی دیوارهای دانشگاه به روی جامعه بسته نیست و در درون دانشگاه صرفاً صدای اساتید شنیده نمی‌شود. مثلاً می‌بینید که نمایندگان و فعالین عرصه‌ها و گروه‌های مختلف اجتماعی و مدنی و سازمان‌های غیردولتی مثل سازمان‌های محیط زیستی یا فعالین صلح در دانشگاه حضور دارند و با اساتید و دانشجویان وارد دیالوگ جدی می‌شوند.

فایده این دانشگاه با درهای باز به تعبیر شما چیست؟

این امر که در غرب اتفاق افتاده است، از سویی زمینه‌هایی را برای تنفس دانشگاه باز کرده و از سوی دیگر زمینه‌هایی را برای تقویت ارتباط جامعه و دانشگاه فراهم آورده است. در چنین شرایطی ممکن است که شکل کارکرد ارتباطی جنبش دانشجویی و نقش ارتباطی آن تغییراتی را داشته باشد و نیازی نیست که جنبش دانشجویی با روش‌های سنتی به نمایندگی جامعه بپردازد، زیرا جامعه در دانشگاه حضور دارد و درهای دانشگاه به روی جامعه باز شده است. این مرحله‌ای پیشرفته از فعالیت دانشگاه است، یعنی شکل‌گیری دانشگاه مدنی که در آن دانشگاه دارای مسوولیت اجتماعی است و با مردم وارد گفت‌وگو می‌شود و تلاش می‌کند مشکلات مردم را مفهوم‌پردازی کند و هر جا لازم باشد این مطالبات را به گوش نهادهای ذی‌ربط برساند.

آیا در ایران چنین دانشگاهی داریم؟

خیر، در ایران فعلاً جنبش دانشجویی تنها کانال ارتباطی دانشگاه با جامعه است. به همین خاطر در ایران کماکان جنبش دانشجویی کارکردهای پیشین خودش را دارد.

اما به هر حال در ایران نیز دانشگاه توده‌ای شده است و دیگر چنین نیست که اقشار و گروه‌های خاصی بتوانند فرزند خود را به دانشگاه بفرستند. الان انواع و اقسام دانشگاه‌ها داریم و دانشگاه در همه جای شهر و همه شهرها حضور دارد.

بله توده‌ای شدن دانشگاه پیامدهای خاص خودش را دارد، اما دانشگاه به مثابه یک نهاد تعریف خاص خودش را دارد. اینکه بر سر در یک ساختمان ۵۲ متری دو طبقه تابلو بزنند و بالایش بنویسند دانشگاه که دانشگاه نیست. اگر قرار باشد دانشگاه یک نهاد نوآور و ایده‌پرداز برای آینده جامعه باشد و بتواند مرزهای معرفتی را جلو ببرد و بتواند به تأمین بقای اجتماعی به شیوه‌های نرم کمک کند، دانشگاه باید در مفهوم سنتی خودش تداوم داشته باشد. این سخن بدان معنا نیست که مراکز آموزشی دیگری شکل پیدا نکنند، ولی ما به دانشگاهی نیاز داریم که جامع باشد. منظورم فضاهای بزرگ دانشگاهی است که تعامل ایجاد می‌کنند و رشته‌های مختلف را رویاروی یکدیگر قرار می‌دهند و فضاهای بزرگ برای اوقات فراغت، ورزش، کتابخانه‌ها و آزمایشگاه‌های بزرگ دارند. منظورم این است که مفهوم دانشگاه ویژگی‌هایی را بر ما تحمیل می‌کند که با مراکز آموزشی یا مدارس عالی یا موسسات آموزش عالی متفاوت است. ما هنوز به دانشگاه در مفهوم جامع آن نیاز داریم. از حیث تشبیه وقتی می‌گوییم شهرها به مساجد جامع نیاز دارند، این بدان معنا نیست که هر محلی مسجدی نداشته باشد. شهر دینی هویتش را با مسجد جامع پیدا می‌کند. با این تشبیه می‌توان گفت شهرهای مدرن نیز به نهاد جامعی مثل دانشگاه جامع در همان مفهوم کلاسیک نیاز دارند و این منافاتی ندارد با آنچه غریبان community College می‌خوانند، یعنی مراکز آموزشی محلی و اجتماعی که در اجتماعات محلی وجود دارد و مدرک آموزش عالی هم می‌دهد. اما این دیگر university نیست.

وقتی با خود دانشجویان صحبت می‌کنیم، بسیار مایوس و ناامید هستند و می‌گویند فضای دانشگاه خیلی منفعل و راکد شده است و انگیزه‌ای برای فعالیت ندارند. یعنی نگرش دانشجویان نسبت به جنبش دانشجویی بسیار منفی و ناامیدکننده است. دیدگاه شما نسبت به وضعیت فعلی جنبش دانشجویی چیست؟ آیا شما فکر می‌کنید می‌توانیم به جنبش دانشجویی امیدوارم باشیم؟

چنانکه گفتم یک صورت از رادیکالیسم همین انفعال اجتماعی و ناامیدی و یأس است. این نشانه خوبی نیست که در فضای دانشگاهی ما چنین هوایی تنفس شود. اگر دولت‌ها نتوانند شرایط جنبش دانشجویی را به طور مناسب فراهم کنند، باید خودشان را برای صورت‌های گوناگون رادیکالیسم دانشگاهی از بی‌تفاوتی تا خشونت‌زدگی و رها کردن سرزمین خودشان یعنی مهاجرت و رفتن آماده کنند. این اهمیت جنبش دانشجویی را باید برای سیاستگذاران خودمان روشن کنیم. البته جنبش دانشجویی در شرایط امروز ایران آفت و خیز و

بالا و پایین دارد، اما در عین حال شاهدیم که در مقاطعی بر خلاف انتظار از خودش پویایی‌هایی را نشان می‌دهد که آدم انتظارش را ندارد. مثلاً در روزهای اخیر می‌بینیم که دانشجویان در برخی دانشگاه‌ها وارد طرح مطالبات خودشان شدند و به بیان خواسته‌های خودشان که عمدتاً مربوط به وضعیت دانشجویی است، پرداخته‌اند. از سوی دیگر خود جنبش دانشجویی به ویژه هسته‌های فکری‌اش باید در فکر این باشند که کنش‌های بدیل متناسب با نیازهای جامعه بررسی کنند و پیش بگیرند. در مجموع سخن من این است که ما خوش‌بین باشیم یا خیر، در تاریخ جنبش دانشجویی شاهد افت و خیز بوده‌ایم و اگر در دوره‌ای رکود را دیده‌ایم، بعید نیست که چند ماه دیگر از خودش تحرکی نشان دهد.

روزنامه اعتماد

This entry was posted on Thursday, December 14th, 2017 at 1:38 pm and is filed under [احزاب, جامعه مدنی, دانشگاهیان, گزارش و گفت و گو](#). You can follow any responses to this entry through the [Comments \(RSS\)](#) feed. You can leave a response, or [trackback](#) from your own site.